

دوفصلنامه علمی - تخصصی روابط آفریقا آسیا، دوره اول شماره دو / پاییز و زمستان سال ۱۴۰۳

موانع و راهکارهای ایجاد همکاری امنیتی میان ایران و عربستان در خلیج فارس و شاخ آفریقا

رضا ذبیحی*

استادیار روابط بین‌الملل، گروه مطالعات جغرافیای ایران، بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۶

چکیده

منطقه پراشوب خلیج فارس و غرب آسیا و نیز شاخ آفریقا به دلیل تلاطم‌های سیاسی و اجتماعی و بعضاً جنگ‌های طولانی و فرسایشی همواره در برقراری امنیت دچار مخاطره بوده است؛ در حالی که در دنیای امروز، امنیت همچنان یکی از مهمترین کالای‌هایی است که می‌توان به پشتوانه آن بهره‌مند از ثبات و پیشرفت شد. ایران و عربستان به دو عنوان دو قدرت اصلی حوزه خلیج فارس و قدرت‌های ذی نفوذ در شاخ آفریقا می‌توانند در زمینه ایجاد امنیت منطقه‌ای نقش محوری ایفا کنند. همکاری‌های امنیتی ایران و عربستان می‌تواند بر جنبه‌های مختلفی از حوزه کشتیرانی، انرژی و مبارزه با قاچاق کالا گرفته تا همکاری درباره مناطق نفوذ گسترش داشته باشد. با این اوصاف این پرسش اساسی مطرح می‌گردد که چالش‌ها و موانع همکاری امنیتی میان ایران و عربستان در خلیج فارس و شاخ آفریقا چیست؟ پاسخ موقت به این پرسش بدین شرح است: بازیگری ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس، عدم فهم مشترک در خصوص مسائل امنیتی، اختلاف نظرهای ژئوپلیتیکی و اختلاف‌های فرهنگی - مذهبی و عدم تفاهم بر سر منطقه نفوذ، چالش‌ها و موانع همکاری امنیتی ایران و عربستان در خلیج فارس و شاخ آفریقا هستند. روش پژوهش در این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی است و به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تهدیدزدایی از اسلام شیعی و مقابله با ایران هراسی، همکاری‌های فنی و اقتصادی و پیدا کردن چهارچوبی برای همکاری درباره مسائل مناطق پیرامونی می‌تواند به عنوان راهکارهایی به منظور تحقق همکاری امنیتی میان ایران و عربستان مدنظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، منطقه خلیج فارس، همکاری امنیتی، غرب آسیا، شاخ آفریقا

*Email. r.zabih@iranology.ir

مقدمه

ایران و عربستان به عنوان دو بازیگر اصلی در منطقه خلیج فارس و دو قدرت بزرگ منطقه‌ای در جهان اسلام، خاورمیانه و بازیگران ذی نفوذ در شاخ آفریقا مطرح هستند. در حال حاضر مشکلات امنیتی مختلفی در این مناطق و بطور خاص در منطقه خلیج فارس و شاخ آفریقا وجود دارد و همین امر ثبات منطقه‌ای را دچار چالش‌های جدی کرده است. این در حالی است که وجود ثبات در این مناطق می‌تواند بسیاری از مشکلات آنها را حل کرده و زمینه پیشرفت بیشتر برای تمامی بازیگران منطقه‌ای را فراهم آورد. یکی از مهمترین راه‌های دستیابی به ثبات در این مناطق گسترش همکاری میان بازیگران منطقه‌ای و به ویژه بازیگرانی است که می‌توانند بیشترین سهم را در تأمین امنیت منطقه‌ای ایفا کنند. در این میان همکاری‌های امنیتی میان دو بازیگر اصلی یعنی ایران و عربستان منطقه می‌تواند اثرات قابل توجهی در تأمین ثبات منطقه‌ای ایفا کند. به همین منظور لازم است ابتدا بررسی شود در چه جنبه‌ها و حوزه‌هایی امکان همکاری میان ایران و عربستان بر سر مسائل امنیت وجود دارد. بررسی‌های این پژوهش حاکی است که این دو کشور می‌توانند بر سر گستره وسیعی از مسائل از جمله حوزه کشتیرانی، انرژی و مبارزه با قاچاق کالا گرفته تا همکاری درباره مناطق نفوذ با یکدیگر همکاری و تعامل داشته باشند. موضوع بعدی که پرسش اصلی پژوهش حول آن شکل می‌گیرد این است که چه چالش‌ها و موانع همکاری امنیتی میان ایران و عربستان در خلیج فارس و شاخ آفریقا چیست؟ بخشی از یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که بازیگری ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس، عدم فهم مشترک در خصوص مسائل امنیتی، اختلاف نظرهای ژئوپلیتیکی و اختلاف‌های فرهنگی - مذهبی و عدم تفاهم بر سر منطقه نفوذ چالش‌ها و موانع همکاری ایران و عربستان در خلیج فارس و شاخ آفریقا محسوب می‌شوند. مرحله بعدی در سیر انجام این پژوهش پیدا کردن راهبردها و راهکارهایی است که بر اساس آن بتوان در جهت تحقق همکاری امنیتی میان دو کشور طی مسیر کرد. یافته‌های مرتبط با این قسمت از پژوهش نیز حاکی است که تهدیدزدایی از اسلام شیعی و مقابله با ایران هراسی، رفع نگرانی‌های منجر به حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه، همکاری‌های فنی و اقتصادی و پیدا کردن چهارچوبی برای همکاری درباره مسائل منطقه نیز جنبه‌هایی است که می‌تواند باعث پیشرفت در مسیر ایجاد همکاری امنیتی میان دو کشور شود؛ بنابراین هدف انجام این پژوهش، پیدا کردن راهبردهایی برای رفع موانعی است که منجر می‌شود همکاری امنیتی میان ایران و عربستان شکل نگیرد. اهمیت این پژوهش نیز مبتنی بر ضرورت‌های امنیت ملی ایران از یکسو و نیازهای امنیتی منطقه از سوی دیگر است؛ زیرا ایران به عنوان یکی از مهمترین کشورهای منطقه می‌تواند از طریق

همکاری امنیتی با بازیگران اصلی حوزه خلیج فارس در راستای پیشبرد منافع ملی خود به خصوص در حوزه امنیتی گام بردارد. همچنین تحقق امنیت پایدار و ثبات در منطقه در گرو همکاری میان بازیگران اصلی است و در این راستا واکاوی علل و مسائل پیشروی همکاری امنیتی میان ایران و عربستان و جستجوی راهکارهایی به منظور برون رفت از وضعیت می تواند زمینه های علمی لازم را به وجود آورد که در این پژوهش تمرکز بر یافتن آنها است.

تاکنون تحقیق و پژوهش های زیادی در خصوص روابط ایران و عربستان انجام شده است. برخی از پژوهش ها بیشتر بر مسائل امنیتی متمرکز بوده است. به عنوان نمونه قدس و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر تضادهای اندیشه ای بر شکل گیری روابط امنیتی عربستان با ایران» معتقدند اقدامات سیاسی هر دو کشور در سطح منطقه ای به گونه ای رقم خورده که دیگری تصور می کند تهدید علیه امنیت ملی اش بوده است. در این چهارچوب از منظر سعودی ها، ایران به عنوان دولتی ساختارشکن و برهم نظم زننده نظم منطقه و امنیت محسوب می شود. حوزه دیگر مقالاتی است که مبتنی بر رویکردهای هویتی است؛ به عنوان نمونه عباسی و عسگری (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر عامل هویت بر روابط ایران و عربستان سعودی پس از پیروزی انقلاب اسلامی» در این خصوص معتقدند هویت سیاسی-اجتماعی متفاوت ایران تحت تأثیر ایدئولوژی انقلاب اسلامی با محوریت آموزه های مذهب شیعه و تلاش برای فرهنگ مقاومت، در برابر عربستان سعودی با محوریت تفکر وهابیت و در تقابل با فرهنگ مقاومت اسلامی موجب اتخاذ سیاست های تقابل گرایانه دو طرف در روابط دوجانبه، بحران های منطقه ای و رقابت های بین المللی شده است. برخی دیگر از پژوهش ها روابط دو کشور را از منظر منطقه ای ارزیابی کرده اند. چنانکه دهشیری و حسینی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان» بیان داشته اند: انتخاب کد ژئوپلیتیک منطقه ای از سوی جمهوری اسلامی و عربستان سعودی، رقابت طرفین در زمینه مسائل هویتی، امنیتی و تأمین منافع ملی در جنوب غرب آسیا را تحت الشعاع قرار می دهد. در این میان برخی از پژوهش هایی که اخیراً در این زمینه به رشته تحریر درآمده اند، متمرکز بر تحولات جدید در روابط ایران و عربستان پس از بازگشایی سفارت دو کشور به دنبال میانجیگری چین است. در این باره شفیعی (۱۴۰۲) در مقاله ای با عنوان «ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه ای: تحلیلی بر میانجیگری چین بین ایران و عربستان» بیان داشته است که افزایش هزینه های ناشی از رقابت ایران و عربستان که دو کشور را بر سر دو راهی استراتژیک "آشتی" و "رقابت" قرار داده بود، زمینه را برای مداخله چین و موفقیت دیپلماسی این کشور در این زمینه فراهم ساخت.

نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین تمرکز بر موضوع خاص همکاری امنیتی میان ایران و عربستان است. آیا این نوع همکاری زمینه تاریخی دارد؟ و اینکه این همکاری چه جنبه‌هایی می‌تواند داشته باشد. موانع برقراری آن چیست و چه راهبردها و راهکارهایی به منظور تحقق آن وجود دارد.

روش پژوهش در این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی است و به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. به منظور پیاده‌سازی این روش، سازماندهی پژوهش بدین صورت است که پس از طرح چهارچوب نظری، ابتدا حوزه‌های همکاری امنیتی ایران و عربستان احصاء می‌شود و سپس موانع ایجاد همکاری امنیتی میان ایران و عربستان در خلیج فارس و شاخ آفریقا ارزیابی و تحلیل می‌شود. در نهایت و با توجه به دو مبحث پیشین راهکارهای ایجاد همکاری امنیتی میان دو کشور در این منطقه استنتاج و تحلیل می‌گردد.

چهارچوب نظری: واقع‌گرایی نئوکلاسیک

فروپاشی نظم دو قطبی مشکلات جدی پارادایم نوواقع‌گرایی در روابط بین‌الملل را نشان داد. نظریه ساختاری ایستا و محدود کنت والتز قادر به توضیح فرآیندهای داخلی در اتحاد جماهیر شوروی نبود و سقوط امپراتوری شوروی به شکست کل پارادایم کمک کرد (Więclawski, 2017: 192)؛ زیرا علی‌رغم تلاشی که والتز به منظور توسعه نظریه‌های روابط بین‌الملل مصروف داشته است؛ اما شگفتی از این است که چرا وی و نوواقع‌گرایان اهمیت را تنها به ساختار می‌دهد و سیاست خارجی را به کناری می‌گذارند. (هیل، ۱۳۸۷: ۲۲۶) این در حالی است که از یک‌سو واقعیات حاکم بر شیوه رفتار کشورها و از سوی دیگر رشد چشمگیر علاقه‌مندی به موضوعات هنجاری اهمیت و جایگاه بازیگران را در تحلیل‌ها بیش از پیش برجسته ساخته است. بدین سبب است که تلفیقی که واقع‌گرایی نئوکلاسیک مطرح می‌کند جذابیت بیشتری برای تبیین مسأله بین‌المللی دارد. واقع‌گرایی نئوکلاسیک خود به دو نحله تهاجمی و تدافعی تقسیم می‌گردد که مهمترین نظریه‌پردازان طیف تهاجمی فرید زکریا، جان میرشایمر و در طیف تدافعی نیز جک اسنایدر و استفن والت نام برد. از جمله مؤلفه‌های مثبت این تئوری می‌توان به کاربردی بودن آن در تحلیل سیاست خارجی کشورها اشاره کرد؛ زیرا برخلاف تئوری واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی، در کنار تحلیل ساختاری به مؤلفه‌های دیگری همچون ساختار دولت و فهم رهبران از نظام بین‌الملل نیز تکیه دارد. (نوروزی، ۱۳۹۳) البته برخی استدلال می‌کنند واقع‌گرایی نئوکلاسیک یک بسط منطقی و بخش ضروری پیشرفت نئورئالیسم است؛ چرا که

واقع‌گرایی ساختاری عنوان می‌دارد که سیستم، کنش دولت را محدود می‌کند؛ اما تعیین نمی‌کند و اینکه سیاست خارجی با توجه به موقعیت ساختاری یک دولت، کجا از رفتار ایده‌آل منحرف می‌شود، سیاست‌ها و ایده‌های داخلی عموماً علت هستند. (Rathbun, 2008: 294) چون واقع‌گرایی نئوکلاسیک به دنبال توضیح این است که چرا دولت‌های مختلف یا حتی یک دولت در زمان‌های مختلف استراتژی‌های خاصی را در عرصه بین‌المللی دنبال می‌کنند و بنابراین پدیده‌هایی مانند استراتژی‌های کلان دولت‌ها، دکترین‌های نظامی، سیاست‌های اقتصادی خارجی، ترجیحات اتحاد و رفتار بحران در حوزه واقع‌گرایی نئوکلاسیک قرار دارند. (Taliaferro, 2000: 133-134)

در شیوه‌ای که واقع‌گرایی نئوکلاسیک برای تحلیل سیاست خارجی اتخاذ کرده تأکید می‌شود که الزامات نظام بین‌الملل به عنوان متغیر مستقل از طریق متغیرهای داخلی به عنوان متغیر میانجی بر سیاست خارجی به عنوان متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد. (Rose, 1998: 144-172) ضمن اینکه واقع‌گرایی نئوکلاسیک در کنار عوامل عینی به عوامل ذهنی نیز توجه می‌کند. چنانکه منونن به درستی ابراز می‌دارد که واقع‌گرایان نئوکلاسیک به نوعی سازه‌نگار هستند و نه‌ایا معتقد است که آنارشی چیزی است که دولتمردان آن را می‌سازند. (Mononen, 2009: 10) در واقع‌گرایی نئوکلاسیک چهار دسته متغیرهای مداخله‌گر در سطح واحد وجود دارد که عبارتند از: ۱- تصورات و برداشت رهبران: این مورد مربوط به باورها یا تصورات سیاست‌گذاران و مسئولان دولت است که مجریان سیاست خارجی هستند و افرادی نظیر رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، اعضای اصلی کابینه و مشاورین بخش‌های نظامی و سیاست خارجی را شامل می‌شود. تصورات رهبران به این علت حائز اهمیت است که می‌تواند برداشت‌ها نسبت به محرک‌های سیستمی را تحت تأثیر قرار دهند. ۲- فرهنگ راهبردی: در این دسته، ایدئولوژی‌های مسلط در نقش عناصر مهم فرهنگ راهبردی در نظر گرفته می‌شوند که می‌توانند نگرش دولت‌ها نسبت به امور بین‌المللی را تحت تأثیر خود قرار دهند. فرهنگ راهبردی می‌تواند مانعی شدید برای توانایی نخبگان جهت سازگاری با تغییرات سیستمی باشد و نخبگان تصمیم‌ساز نباید در دام فرهنگ راهبردی گرفتار شوند؛ زیرا در این صورت سیاست خارجی معیوب و خودمحدوساز است. ۳- روابط دولت و جامعه: این دسته مربوط به میزان هماهنگی‌ها بین دولت جامعه و حمایت مردم از کلیات سیاست خارجی و اهداف امنیت ملی است. ۴- نهادهای داخلی: آخرین دسته مربوط به ساختار دولت و نهادهای سیاسی داخلی است. (ریپسمن و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۳۳-۱۰۸)

بنابراین بر اساس واقع‌گرایی نئوکلاسیک، یک کمربند انتقالی^۲ میان انگیزه‌ها و محرک‌ها و محدودیت‌های سیستمیک و سیاست خارجی کشورها قرار می‌گیرد به طوری که متغیرهای سیستمیک، آنارشی بین‌المللی توزیع قدرت نسبی و عدم اطمینان و قطعیت ناشی از آن، محرک‌ها و الزاماتی را برای کشورها ایجاد می‌کند تا برای تأمین امنیت تلاش کنند؛ ولی آنارشی یک شرایط و وضعیت آسان‌گیر است تا یک متغیر علی متصلب و مستقل. آنارشی به کشورها محدوده و آزادی عمل قابل ملاحظه‌ای می‌دهد تا راهبرد کلان امنیتی خود را تعریف کنند؛ توزیع قدرت صرفاً علل و عوامل تعیین‌کننده راهبرد کلان را فراهم می‌سازد؛ اما محاسبه و ادراکات تصمیم‌گیرندگان پاسخ و واکنش لازم به تحولات محیطی و قدرت را تعیین می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۰). افزون بر این واقع‌گرایی نئوکلاسیک استفاده از «تاریخ» را در تحلیل سیاست خارجی ممکن می‌داند. تاریخ زیربنای مفاهیم و متغیرهایی است که در حال حاضر توسط رئالیست‌های نئوکلاسیک استفاده می‌شود؛ زیرا تاریخ انگیزه‌ها و محدودیت‌های ساختاری را اصلاح می‌کند و بنابراین مسیر راه‌های پرباری را برای نظریه‌پردازی واقع‌گرایانه فراهم می‌کنند (Meibauer, 2023: 348).

بنابراین، در مسیر تحلیل این پژوهش مبتنی بر نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک و زوایا و جوانب مطرح شده آن، ضمن اینکه به الزامات سیستمیک و تأثیرات آن توجه می‌شود به متغیرهای میانجی در سطح واحد به ویژه به تأثیری که برداشت رهبران و فرهنگ راهبردی دارد توجه می‌شود. همچنین ضمن اینکه به مناسبات قدرت برگرفته از واقع‌گرایی توجه می‌شود، به این مهم التفات می‌شود که هنجارها، فرهنگ، برداشت‌ها و نیت‌ها نیز حائز اهمیت هستند.

یافته‌های پژوهش

حوزه‌های همکاری امنیتی ایران و عربستان:

روابط میان ایران و عربستان سعودی پس از انقلاب اسلامی دوران پر فراز و نشیبی را طی کرده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به پررنگ بودن ایده صدر انقلاب، در سال‌های آغازین انقلاب به خاطر حساسیتی که کشورهای حاشیه خلیج فارس و به ویژه پادشاهی سنی عربستان به این موضوع داشتند، روابط ایران و عربستان رو به وخامت نهاد (Rezaei, 2019: 182) و اوج آن را می‌توان در حمایت این کشور از عراق طی هشت سال جنگ تحمیلی و همچنین فاجعه کشتار زائران بیت الله حرام در سال ۱۳۶۶ مشاهده کرد. نه سال پس از پایان جنگ و همزمان با برگزاری اجلاس

سران کشورهای اسلامی در سال ۱۳۷۶ در ایران، تحولات جدیدی در روابط دو کشور صورت گرفت، به طوری که حتی میان ایران و عربستان تفاهم‌نامه‌های همکاری در زمینه‌های مختلف امضا شد که مهمترین آن‌ها موافقت‌نامه همکاری امنیتی در سال ۱۳۸۰ میان ایران و عربستان است. برخورد با جرایم سازمان یافته امنیتی و اقتصادی، جرایم مربوط به میراث فرهنگی، جعل اسناد دولتی، مبارزه با مواد مخدر، همکاری‌های مرزی و مبارزه با متخلفان مرزی، همکاری در حوزه‌ی فعالیت‌های پلیسی، تبادل نیروی انتظامی از جمله مواردی است که در این موافقت‌نامه امنیتی گنجانده شده است. (ایسنا، ۲۹ فروردین ۱۳۸۰) همچنین همکاری میان دو کشور در خصوص کنترل بازار نفت در اوپک در سطح بالایی صورت پذیرفت. با این وجود اوج‌گیری اتهامات غرب علیه ایران در خصوص پرونده هسته‌ای منجر به این گردید که عربستان همچون گذشته بار دیگر از ایران فاصله بگیرد؛ اما واقعه‌ای که دوباره موجب تیرگی شدید در روابط دو کشور شد، موضوع اعدام شیخ نمر روحانی شیعه در عربستان و متعاقب آن حمله به سفارت و کنسولگری این کشور در تهران و مشهد بود. با این وجود، تجربه انعقاد همکاری امنیتی میان دو کشور در حدود دو دهه قبل و مزایایی که هر دو کشور از این طریق کسب کردند، می‌تواند به به عنوان نقطه اتکایی برای گام گذاشتن دوباره در مسیر همکاری ارزیابی گردد. بر این مبنا ایران و عربستان حداقل در جنبه‌های ذیل دارای فرصت و منافع مشترک برای همکاری هستند:

امنیت مرزها

ایران و عربستان هیچ کدام مرز مشترک با یکدیگر ندارند؛ اما آن‌ها بعضاً در کشورهای همسایه یکدیگر ذی‌نفوذ هستند؛ به عنوان مثال همانطور که ایران در یمن ذی‌نفوذ است و می‌تواند بر وضعیت امنیت مرزهای عربستان تأثیرگذار باشد؛ از سوی دیگر عربستان به واسطه نقش «مروج وهابیت» که برای خود قائل شده است، می‌تواند موجب تحریک مستقیم گروه‌های افراطی پاکستانی علیه امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران گردد. ترویج حرکت‌های تجزیه‌طلب از جمله اقداماتی است که در این زمینه می‌تواند صورت بگیرد. (شمس الدین نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۵) در حالی که همکاری در زمینه مرزها می‌تواند باعث تحکیم وضعیت مرزی دو کشور و رفع تهدیدات ناشی از آن شود.

مبارزه با قاچاق کالا

قاچاق کالا از مرزهای دریایی جنوب ایران و از جمله عربستان می‌تواند تأثیر نامطلوبی بر روند رشد

و توسعه کشور داشته باشد. فارغ از راهکارهای داخلی به منظور حل این معضل، همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد؛ زیرا توافق‌های دوجانبه برای مبارزه با این پدیده باعث می‌شود زمان کمتری هزینه و کارآمدی بیشتر برای برون‌رفت از آن وضعیت ایجاد گردد. (عیسی آبادی و شاه قلعه، ۱۳۹۲: ۶۵)

امنیت انسانی

مبارزه با اشکال مختلف تروریسم و جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی از جنبه‌های مربوط به امنیت انسانی است که کشورهای همجوار و همسایه می‌توانند با همکاری در خصوص آن امنیت ملی خود را ارتقاء دهند. در پیش گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی و اقدامات مشترک کشورهای منطقه، کارآمدترین راه برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام است. کشورهای تأثیرگذار منطقه از جمله ایران، ترکیه، مصر، عربستان می‌توانند نقش کلیدی ایفا کنند و با اقدامات دوجانبه و چندجانبه ریشه‌های شکل‌گیری گروه‌های تروریستی را حذف کنند. (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۷) از جمله ایران در سال ۱۳۸۱ شانزده تن از اعضای شبکه القاعده را که پس از گریختن از افغانستان به آن کشور پناهنده شده بودند، به عربستان سعودی تحویل داد. (ایسنا، ۲۰ مرداد ۱۳۸۱)

حوزه کشتیرانی

حوزه کشتیرانی هم از لحاظ برقراری امنیت و هم به لحاظ تعاملات اقتصادی و تجاری یکی از جنبه‌هایی است که ایران و عربستان می‌توانند با یکدیگر همکاری فزاینده‌ای داشته باشند. عربستان برای دسترسی به خلیج فارس به تنگه هرمز نیازمند است. با توجه به حالت هلالی شکل تنگه هرمز و وجود قوس آن به داخل فلات ایران، بیشترین ساحل اینکه تنگه و امکان کنترل آن با ایران است، (حافظ نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۱۸۲) و لذا برای عربستان همکاری در این خصوص می‌تواند حائز اهمیت باشد. از سوی دیگر همکاری و همراهی عربستان به منظور مجاب کردن قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای رفع تحریم‌های حوزه دریایی و کشتیرانی علیه ایران می‌تواند زمینه گسترش و توسعه همکاری‌های حوزه اقتصادی و بازرگانی میان دو کشور را فراهم آورد.

همکاری امنیتی در زمینه عراق

عراق یکی دیگر از کشورهای کلیدی خلیج فارس است که ایران و عربستان هر دو در این کشور

دارای منافع راهبردی هستند. تردیدی وجود ندارد که از سال ۲۰۰۳ ایران نفوذ بسیار بیشتری بر سیاست عراق نسبت به عربستان سعودی داشته است. دلیل این امر می‌تواند با داشتن روابط طولانی مدت با نخبگانی که در زمان حکومت صدام از عراق گریختند، مرتبط باشد. موضوعی که بلافاصله به ایران اجازه دسترسی به مقامات کلیدی در دولت‌های پس از ۲۰۰۵ را داد؛ اما عربستان سعودی در ایجاد روابط با گروه‌های سنی ناتوان بود که بخشی از آن پیامدهای حضور گروه‌های اسلام‌گرای خشن مانند القاعده و سپس داعش است. همین امر، ایران را در موقعیت مناسبی برای سرمایه‌گذاری و تثبیت موقعیت خود در داخل عراق قرار داد. (Royle & Mabon, 2022: 112) چنانکه بعضاً این اعتقاد وجود دارد که عربستان با اقداماتی چون تحریک سلفی‌گری درصدد است مانع رشد فزاینده قدرت ایران در عراق شود؛ از طرفی ایران نیز به دنبال آن است که با تقویت مناسبات خود با عراق پسدادش مانع از تغییر معادلات قدرت به نفع رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی خود از جمله عربستان شود (درج و عباسی، ۱۳۹۹: ۷۶)؛ اما چنانکه راهبردهایی به منظور برون‌رفت از این وضعیت فعلی در خصوص عراق ترسیم شود، می‌توان انتظار داشت حرکت به سوی تنش‌زدایی در کلیت روابط امنیتی دو کشور تسریع و تسهیل شود.

همکاری امنیتی در زمینه بحرین

یکی از مناطق پر اهمیت دیگر در خلیج فارس مرتبط با روابط ایران و عربستان، بحرین است که در آنجا نیز می‌تواند همکاری به جای تقابل جایگزین شود. منطقه‌ای که به ویژه پس از بحران سال ۲۰۱۱ در افزایش تنش‌ها میان دو کشور نقش مهمی داشت؛ زیرا از یکسو مداخله نیروهای شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی در بحرین و استفاده از زور علیه تظاهرکنندگان اتفاق افتاد و از سوی دیگر مقامات بحرینی ایران را به دامن زدن به هرج و مرج و خشونت در بحرین با حمایت از گروه‌های مخالف شیعه در این دوره متهم کردند. (Al-Rasheed, 2022: 74) عربستان سعی کرده است از سرریز شدن تحولات داخلی بحرین به مناطق شرقی خود جلوگیری کند؛ چرا که تغییر رژیم آل خلیفه ضمن متأثر کردن سیاست‌های انرژی عربستان این تهدید را در پی خواهد داشت که مطالبات سیاسی شیعیان در مناطق شرقی عربستان را افزایش دهد و آن‌ها را از انزوای ژئوپلیتیکی فعلی رهایی بخشد. ضمن اینکه با روی کار آمدن گروه‌های شیعی در این کشور، ایران به قدرت و نفوذ فزاینده‌ای در صحنه سیاست بحرین دست خواهد یافت. (درج و نورانی بنام، ۱۴۰۰: ۶۶) با این حال، طرفین با درک نگرانی‌ها، حساسیت‌ها و شرایط خاص طرف مقابل می‌توانند در جهت همکاری امنیتی

در این کشور نیز گام بردارند.

همکاری امنیتی در زمینه یمن

یمن یکی از کشورهای شبه جزیره عربستان است که ایران و عربستان به عنوان دو بازیگر کلیدی خلیج فارس به آن توجه ویژه دارند. ایران علاوه بر اهداف ایدئولوژیک در کمک به مستضعفین، بحران یمن را عرصه‌ای برای گسترش عمق ژئوپلیتیک محور مقاومت می‌داند و عربستان سعودی نیز به عنوان بازیگر منطقه‌ای مهم دخیل در بحران یمن، توجه به این کشور را برای الزامات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین متوقف شدن مشکلات ژئوپلیتیکی‌اش ضروری می‌داند (مقومی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۶۳)؛ بنابراین یمن نیز همچون عراق و بحرین یکی دیگر از کشورهایی است که محل منازعه و کشمکش قدرت میان ایران و عربستان است و داشتن برنامه برای همکاری در خصوص این کشور نیز می‌تواند افق‌های بهتری در مسیر بهبود روابط دو کشور و ثبات منطقه‌ای روشن کند.

حوزه امنیت انرژی

مفهوم امنیت انرژی با گذشت زمان دچار تحول شده است. در دهه ۱۹۵۰ امنیت انرژی به مفهوم ضرورت حفاظت از عرضه نفت انرژی در زمان جنگ و لزوم قرار گرفتن آن در دسترس مصرف‌کنندگان به ویژه قدرت‌های بزرگ بود؛ اما بعد از جنگ سرد موضوع امنیت انرژی از چارچوب ساده تأمین امنیت نظامی فراتر رفته است و از جمله ضرورت تعامل میان مصرف‌کننده و تأمین‌کننده انرژی برای محافظت از اقتصاد داخلی در برابر مسائلی چون تغییر قیمت‌ها و تورم در آن مطرح شده است. (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۶) پیداست که چنین تعاملی پیشتر نیازمند تعامل در میان تولیدکنندگان به منظور حفظ حقوق و جایگاهشان در عرضه تولید انواع انرژی به ویژه نفت است. در این راستا همکاری ایران و عربستان به عنوان دو تولیدکننده بزرگ نفت می‌تواند مزایای دو چاندانی برای هر دو بازیگر داشته باشد؛ چنانکه مذاکرات وزیران نفت ایران و عربستان در سال ۱۹۹۸، برای کاهش تولید جهانی بازار نفت بی‌رونتی را جانی دوباره بخشید و به اوپک قدرت سیاسی جدیدی داد. (ایسنا، ۱۸ اسفند ۱۳۷۸)

همکاری امنیتی در منطقه شاخ آفریقا

کشورهای شاخ آفریقا شامل چهار کشور سومالی، اتیوپی، اریتره و جیبوتی هستند که به دلیل شکل جغرافیایی خود که شبیه شاخ یک کرگدن است، بدین نام شناخته می‌شوند. این کشورها به علل

مختلف تاریخی، فرهنگی و سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار می باشند، زیرا در مجاورت منطقه استراتژیک دریای سرخ و اقیانوس هند قرار دارند. ایران و عربستان هر دو در این منطقه دارای منافع گوناگون اقتصادی و نیز سیاسی، نظامی و امنیتی دارند.

عربستان با کشورهای شاخ آفریقا همکاری‌های امنیتی و نظامی انجام می‌دهد تا از منافع خود در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب محافظت کند و در همین راستا اقدام به ایجاد پایگاه‌های نظامی و لجستیکی در کشور جیبوتی نموده است. در واقع بخش قابل توجهی از حضور و نفوذ عربستان سعودی در شاخ آفریقا، از شبکه منافع سیاست خارجی آن که شامل دغدغه‌های سیاسی - امنیتی در حوزه سیاست منطقه‌ای و همچنین منافع و دغدغه‌های اقتصادی - سیاسی داخلی آن هست، تأثیر پذیرفته است. در نتیجه، عربستان با به‌کارگیری ابزارهای اقتصادی، تجاری، امنیتی و سیاسی در این منطقه، در حال رفع بخش قابل توجهی از دغدغه‌های داخلی و منطقه‌ای خود است. (لطفی و آدمی، ۱۴۰۲: ۳۴)

استفاده از موقعیت استراتژیک شاخ آفریقا برای نظارت بر تنگه باب‌المندب و دریای سرخ برای ایران نیز موضوعی حائز اهمیت است. مهم‌ترین دلایل ژئوپلیتیکی برای حضور و فعالیت ایران را می‌توان تأمین امنیت تردد دریایی، حضور بازیگران رقیب و خنثی‌سازی برخی اقدامات خصمانه، ظرفیت‌های ژئواکونومیک شاخ آفریقا، و موضوع حوزه نفوذ و قلمروسازی دانست. (میرزائی تبار، ۱۴۰۱: ۱۳۳)

با این وجود دو کشور از جنبه‌های مختلفی می‌توانند نسبت به همکاری امنیتی در این منطقه اقدام نمایند. مهمترین مورد همکاری در امنیت دریایی از طریق حفاظت و تأمین امنیت تنگه باب‌المندب است که به عنوان یک مسیر حیاتی تجاری و انرژی برای هر دو کشور محسوب می‌شود.

موضوع مهم دیگر مواجهه با مقوله دزدی دریایی است. با بررسی مناطق آلوده از نظر وجود دزدی دریایی در سطح جهان می‌توان جنوب شرق آسیا و خلیج عدن، پهنه آبی سومالی، خلیج گینه و دریای کارائیب را از جمله مناطقی دانست که در آن‌ها دزدی دریایی وجود دارد، اما در این میان، منطقه راهبردی شاخ آفریقا بسیار حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد نبود ساختارهای منسجم حاکمیتی در میان کشورهای منطقه شاخ آفریقا، در متشنج کردن اوضاع تأثیر بسزایی دارد. (یزدان پناه درو، هاشمی و کریمی پاشاکی، ۱۳۹۵: ۵۷۷) بنابراین مبارزه با دزدی دریایی از طریق مشارکت در عملیات‌های مشترک برای مقابله با آن به خصوص در سواحل سومالی و خلیج عدن می‌تواند از دیگر راهکارهای همکاری در امنیت دریایی میان دو کشور در این منطقه باشد.

همکاری در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی از طریق همکاری در زمینه تبادل اطلاعات امنیتی برای مقابله با گروه‌های تروریستی مانند القاعده، داعش و الشباب در شاخ آفریقا و نیز برنامه‌های مشترک

ضدتروریسم مانند اجرای برنامه‌های آموزشی و عملیاتی مشترک برای مقابله با تهدیدات امنیتی در منطقه نیز جزو شیوه‌های دیگر ممکن برای همکاری امنیتی ایران و عربستان در این منطقه است.

موانع ایجاد همکاری امنیتی میان ایران و عربستان در خلیج فارس و شاخ آفریقا

در حوزه روابط بین‌الملل، محققان اغلب برای تفسیر روابط بین کشورها از یک دیدگاه خاص و یا از منظر متفاوتی دیگر استفاده می‌کنند. با این حال، در رابطه با خاورمیانه، تکیه بر یک عنصر از سیاست خارجی و تبدیل آن به دریچه‌ای برای تفسیر وقایع، تصویر بزرگتر را اشتباه تعبیر می‌کند. تاریخ منطقه و همگرایی چندین عنصر، پیچیدگی فوق‌العاده‌ای را به دیدگاه جوامع آن نسبت به یکدیگر اضافه کرده است. مذهب و هویت قومی، ایدئولوژی و منافع ملی و برداشت‌ها هر یک عناصر مهمی هستند. به طور خلاصه، هیچ متغیر واحدی وجود ندارد که رویدادهای این بخش از جهان را توضیح دهد (Al-Aloosy, 2020: 431). بررسی مناقشه میان ایران و عربستان حاکی است که فرقه‌گرایی، امنیت، رقابت بر سر رهبری منطقه، ژئوپلتیک و حتی ناسیونالیسم بدون اینکه مشخص شود در نهایت چه چیزی الگوهای تعامل و تقابل را هدایت می‌کند، همگی بر این مناقشه میان دو کشور تأثیر می‌گذارند؛ علاوه بر این، عربستان سعودی در مورد استراتژی مناسب برای پاسخ به ایران سردرگم است و از یک سو به رویکرد جنگ نیابتی منطقه‌ای در سوریه، لبنان، یمن و بحرین و از سوی دیگر به اتحاد فراگیر با ایالات متحده و چندین کشور دیگر متوسل می‌شود. (Fraihat, 2020: 2) این اختلاف دیدگاه در منطقه شاخ آفریقا نیز وجود دارد و موانع همکاری میان دو کشور را تشدید کرده است. ادامه یک تقسیم‌بندی از دلایل منازعه ارائه شده است:

اختلاف نظرهای ژئوپلتیکی

هنگامی که مسائل و موضوعات ژئوپلتیکی در روابط دو کشور مبنا باشد، بازیگران روابط خارجی خود را بر اساس برداشت‌ها از منافع، اولویت‌ها و خطوط ژئوپلتیکی امنیت ملی خود تعریف می‌کنند؛ یعنی این ژئوپلتیک است که موجب شکل‌گیری برداشت‌های سیاست‌گذاران یک کشور نسبت به منافع ملی کشورشان در ارتباط با محیط پیرامون می‌شود و طبیعی است که این برداشت موجب جهت‌گیری سیاست خارجی بازیگران می‌شود. (عبدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲) در این میان، چهار عامل عمده ژئوپلتیکی شامل «موازنه تهدید»، «رقابت برای کسب هژمونی در منطقه»، «صف‌آرایی در تقابل ژئوپلتیک دو جبهه غرب و شرق» (جنگ سرد جدید) و در نهایت «امتداد ژئوپلتیک ایران از تهران تا

مدیترانه» از مهمترین عوامل آغاز و تداوم منازعه میان ایران و عربستان محسوب می‌شوند. (قاسمیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۷) در واقع کشورهای قرارگرفته در یک منطقه ژئوپلیتیکی که وزن و قدرت ملی تقریباً یکسانی دارند، همواره به دنبال ایجاد گونه‌ای از توازن قوا در مناسبات ژئوپلیتیک خود هستند تا بتواند اهداف و منافع ملی خویش را تأمین کنند. روابط ایران و عربستان سعودی از این امر مستثنی نیست. به گونه‌ای که روابط میان این دو کشور متأثر از وجود تفاوت‌های بنیادین و ساختاری داخلی و خارجی، بسترهای ژئوپلیتیکی متعارض و واگرایانه‌ای است که در دوره‌های مختلف الگوی تنازع و تعامل را ایجاد کرده است (زارعی دارامرودی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۳)؛ اگر چه عوامل ژئوپلیتیک خلیج فارس به تنهایی عامل ایجاد ناامنی و تنش در روابط دو کشور محسوب نمی‌شود؛ اما وقتی این عوامل با سایر فاکتورها همراه شود، برخوردار از قابلیت تنش‌زایی هستند. از سوی دیگر با توجه به اینکه عوامل ژئوپلیتیکی به صورت تدریجی شکل یافته‌اند، تأثیر نسبتاً پایداری از خود بر جای می‌گذارند (حقیقت شناس و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲۷) و تغییر آن‌ها برای رسیدن به همکاری امنیتی نیازمند زمان، اراده مشترک و صرف هزینه برای ایجاد بستر تعامل گرایانه است.

اختلاف های مذهبی

برجستگی اسلام در تار و پود هر دو دولت ایران و عربستان، مسائل الهیاتی و سیاسی را در هم می‌آمیزد و در نتیجه موضوع مرجع امنیت به چگونگی تعامل میان سیاست و مذهب تمرکز می‌یابد. (Mabon, 2023: 33) به خصوص با توجه به اینکه مؤلفه مذهبی هویت ایرانی همراه با احساس درد به ارث رسیده از بدرفتاری تحمیل شده به شیعیان در طول تاریخ است. این درد به نارضایتی از عربستان سعودی تبدیل می‌شود، دولتی که در آن اکثریت غیرشیعه حاکم هستند (Soltaninejad, 2019: 104)؛ با این وجود برخی معتقدند مذهب، علیرغم موانعی که در روابط دو کشور ایجاد می‌کند، تعیین‌کننده اصلی شرایط سیاسی و استراتژیک میان ایران و عربستان نیست و این تنها یک متغیر تعیین‌کننده است که غالباً در چارچوب پیشبرد اهداف سیاسی تأثیر می‌گذارد (Keynoush, 2016: 21)؛ با این وجود می‌توان اذعان کرد که ایدئولوژی و مذهب چه به صورت ذاتی و چه عرضی نقش پررنگی در ایجاد تنش میان دو کشور ایفا کرده است؛ در نتیجه جستجو به منظور یافتن راه‌حل‌های فرهنگی و فکری، عقیدتی به منظور برون‌رفت از شرایط فی مابین ضرورتی دو چندان می‌یابد. موضوعی که به عنوان پیش نیاز یک همکاری امنیتی پردوام و مستمر مطرح است.

عدم فهم مشترک در خصوص مسائل امنیتی

برخی دلیل اصلی منازعه در روابط ایران و عربستان را صرفاً ایدئولوژیکی و برخی دیگر صرفاً ژئوپلیتیکی می‌پندارند؛ اما بر اساس دیدگاه ترکیبی هر دو عامل را در کنار هم، دلیل تشدید منازعه در روابط دو کشور هستند. ضمن اینکه برداشت‌ها و نظام ادراکی نخبگان در روابط دو کشور نیز عامل مؤثر دیگری در تشدید تنش‌هاست. برداشت‌های نخبگان سیاسی و نظامی ایران در روابط میان ایران و عربستان در چند حوزه تأثیرگذار و قابل توجه بوده و به تشدید تنش‌ها کمک کرده‌اند که عبارتند از: (۱) برداشت‌ها از توانمندی‌های خود و دشمن، شامل اغراق در برآورد توانمندی نظامی خود و ناچیز شمردن توانمندی نظامی دشمن، (۲) برداشت از برداشت‌های دشمن مثل اغراق در دشمنی دشمن؛ و (۳) برداشت از نیت‌ها و رفتارهای احتمالی کشورهای ثالث (شکوهی، ۱۳۹۵: ۳۹)؛ در نتیجه این سوءبرداشت‌ها و برداشت‌های بعضاً نادرست زمینه را برای عدم فهم مشترک میان این دو بر سر مسائل مختلف از جمله مسائل امنیتی ایجاد می‌کند.

بازیگری ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس

تلاش عربستان برای توسل به هژمون جهانی یعنی آمریکا و دائمی کردن حضور این کشور در خلیج فارس به همراه ارائه طرح‌هایی متعدد برای ارتقای همکاری بیشتر شورای همکاری خلیج فارس و حتی طرح ایجاد اتحادیه کشورهای خلیج فارس نیز در راستای مقابله با اقتدار ایران در خلیج فارس ارزیابی می‌شود که پس از سقوط صدام افزایش یافته است. (هراتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۳) در واقع تحولات پس از یازده سپتامبر زمینه حضور آمریکا در منطقه و از جمله در خلیج فارس را بیش از پیش فراهم کرد. این مورد اگر چه به عنوان یک الزام بین‌المللی تحمیل شده بر منطقه ارزیابی می‌شود، با این وجود خواست کشورهای عربی در تداوم آن نقش حیاتی دارد. اکنون پدیدار شدن الزامات جدید در نظام بین‌الملل و پیداشدن نشانه‌هایی مبنی بر تمایل آمریکا به منظور تغییر تمرکز از خاورمیانه در اسناد راهبردی آمریکا به سمت خاور دور یا جنوب شرق آسیا، (پاک‌نیا، ۱۳۹۸: ۲) زمینه‌های لازم به منظور کاسته شدن از میزان تأثیرگذاری بازیگری ایالات متحده در منطقه خلیج فارس را ایجاد کرده است. با این وجود استمرار تمایل کشورهای عربی و از جمله عربستان به حضور آمریکا در منطقه می‌تواند این تحول جدید پدیده آمده در نظام بین‌الملل را کم‌اثر کند. موضوعی که هر گونه امکان همکاری امنیتی میان دو کشور ایران و عربستان را متأثر خواهد ساخت.

چگونگی مواجهه با اسرائیل در منطقه خلیج فارس

پس از شکست اعراب در جنگ‌هایی که با اسرائیل در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ داشتند، این باور در بسیاری از کشورهای عربی شکل گرفت که امنیت آن‌ها از مسیر تقابل با اسرائیل نمی‌گذرد. حمایت همه‌جانبه آمریکا از اسرائیل که اخیراً به دنبال عادی‌سازی روابط اعراب و از جمله عربستان با این کشور است نیز دلیلی دیگری در خصوص این نگرش نسبت به اسرائیل است. این در حالی است که ایران با توجه به باورهای مبتنی بر حمایت از مظلوم که در قانون اساسی نیز متجلی شده است، نه تنها مخالف ایجاد هر گونه روابط کشورهای منطقه با اسرائیل است؛ بلکه اساساً موجودیت آن را نیز به رسمیت نمی‌شناسد.

عدم تفاهم بر سر منطقه نفوذ در خلیج فارس و در شاخ آفریقا

ایران و عربستان هر کدام با اتخاذ سیاست‌های خود در پی حذف رقیب و نایل شدن به هدف برتری در منطقه هستند. (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۷) در این شرایط هیچ یک برای دیگری سهمی در گستره منطقه‌ای قائل نیست و یا معتقد است که سهم طرف مقابل باید حداقلی باشد. در واقع مشکل اصلی در روابط میان ایران و عربستان از آنجا شروع می‌شود که دو کشور هر کدام به دنبال هژمونی منطقه‌ای هستند و هنگامی که در چنین نیتی تعارضات ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی برجسته می‌گردد، رویکرد حذفی نسبت به یکدیگر تقویت می‌شود. به دیگر سخن در اینجا هر سه معضل مربوط به اختلاف ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیکی و برداشتی برجسته می‌شود و متقابلاً یکدیگر را بازتولید و تقویت می‌کنند؛ بنابراین دو کشور توافق و یا حتی تفاهمی بر سر مناطق نفوذ خود در محیط پیرامونی و به ویژه منطقه خلیج فارس و جنوب غرب آسیا و حتی شاخ آفریقا ندارند. در واقع رقابت میان تهران و ریاض منحصر و محدود به مرزهای جغرافیایی خاورمیانه نشد، بلکه رقابت و تنش میان آنها فراتر از منطقه و به مناطق مجاور از جمله منطقه شاخ آفریقا نیز سرایت کرد. چرا که ایران و عربستان با توجه به راهبردی بودن منطقه شاخ آفریقا، اقتصاد در حال توسعه و وجود ناامنی و خلأ قدرت در آن به جهت کسب نوعی «منزلت» و «اعتبار» اقدام به کنشگری در صحنه قدرت در شاخ آفریقا کرده‌اند. بنابراین سرایت رقابت‌های تهران و ریاض به شاخ آفریقا محصول بستر موجود در شاخ آفریقا و انگیزه‌ها و مشوق‌های روانی آنها به جهت کسب اعتبار و منزلت در سطح منطقه‌ای و میان منطقه‌ای بوده است. (حاج زرگر باشی و لطفی، ۱۴۰۲: ۹۹)

پیداست در چنین شرایطی که کشورها نسبت به جایگاه خود و دیگری در منطقه و مناطق پیرامونی با

یکدیگر تفاهم نداشته باشند، امکان هر گونه همکاری امنیتی تضعیف می‌شود.

رقابت های ژئواکانومیک

قرارداد سایکس-پیکو، انقلاب ایران، جنگ‌های خلیج فارس و رویدادهای دیگری که پس از بهار عربی رخ داده است، مسیر تاریخ غرب آسیا را تغییر داده است و عربستان سعودی و ایران معماران جدیدی هستند که مسیر آن را تعیین می‌کنند و در عین حال همچنین حضور قدرت‌های خارجی قابل توجه است. اگر چه وضعیت جنگ سرد میان ایران و عربستان حاکم است و وضعیت کنونی محصول کشمکش بین دو قدرت منطقه‌ای و قرار گرفتن آمریکا و روسیه در پویایی‌های در حال تغییر است؛ اما این بحران به طور قابل توجهی توسط عوامل ژئواکانومیک نیز هدایت می‌شود و صرفاً به جنبه هژمونی منطقه‌ای محدود نمی‌شود. (Ghoble, 2019: 42) این رقابت ژئواکانومی باعث شده است که ایران و عربستان در خصوص چگونگی عرضه نفت و یا کریدورهای ارتباطی که خلیج فارس را به دیگر نقاط جهان وصل می‌کند، وحدت نظری نداشته باشند. ضمناً تلاش برای حذف رقیب از چرخه اقتصادی منطقه‌ای و جهانی که بعضاً از سوی عربستان دنبال می‌شود، جایگزین رقابت مسالمت‌آمیز اقتصادی شده است. در چنین شرایطی عدم تفاهم بر سر سهم اقتصادی یکدیگر در منطقه سبب می‌شود امکان هر گونه همکاری امنیتی میان دو کشور تحت‌الشعاع قرار گیرد.

راهکارهای ایجاد همکاری امنیتی میان ایران و عربستان در خلیج فارس:

ایران و عربستان اکنون به عنوان دو رقیب منطقه‌ای شناخته می‌شوند، در حالی که سابقه دوستی و همکاری میان این دو نیز وجود داشته است. چنانکه در برهه‌هایی الزامات نظام بین‌الملل نظیر تئوری دو ستونی نیکسون باعث گرم شده روابط دو کشور شده است. (ذاکر اصفهانی، ۱۳۸۱) با این وجود و فراتر از این، زمینه‌های مختلفی در روابط دو جانبه دو کشور وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز تعالی در این روابط شود که عبارتند از:

رجوع و تأکید بر ایدئولوژی‌ها و باورهای مشترک:

یکی از مهمترین بایسته‌ها و الزاماتی که می‌تواند راهگشای روابط میان ایران و عربستان باشد، تأکید و بازگشت دوباره به اصول و باورهای مشترک است. چنانکه در ریاض، پس از به رسمیت شناختن انقلاب اسلامی توسط عربستان سعودی، شاهزاده عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود، معاون نخست‌وزیر این کشور در مصاحبه خود با خبرگزاری خلیج فارس گفت: «حکومت جدید در ایران هر مانعی را از

سر راه برداشته و هرگونه تحفظ در مورد انواع همکاری‌های عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران کنار گذاشته است. قرآن کریم قانون اساسی دو کشور ماست و به این ترتیب پیوندهای بین ما دیگر بر اساس منافع مادی و ژئوپلیتیک تعیین نمی‌شود.» (Hiro, 2019: 66) در این خصوص همکاری‌های فرهنگی، مذاکرات بین نخبگانی و حتی تهیه متون مشترک و واحد برای تبیین اشتراکات فرهنگی دو کشور در دروس و برنامه‌های مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند گام مفیدی در راستای ایجاد تفاهات فکری و بین‌الذهانی میان دو کشور محسوب شود.

عادی‌سازی شکاف چند صد ساله شیعه و سنی:

اگرچه برخی از درگیری‌های عربستان سعودی با ایران عمدتاً در پی خواست‌های ژئوپلیتیکی آنها آغاز شده است، معضل امنیتی مهمترین نقش را در تدوین استراتژی جامع امنیت ملی ایران و عربستان ایفا می‌کند. در حالی که عادی‌سازی شکاف چند صد ساله شیعه و سنی می‌تواند نقش به‌سزایی در تضعیف این موضوع داشته باشد. (Ali, 2017: 34) این مهم به دو طریق ایجابی و سلبی قابل تحقق است. شیوه ایجابی که تکیه بر باورهای مشترک دارد و پیشتر به آن اشاره شد و شیوه سلبی که تأکید بر کمرنگ کردن دامنه آن نوع اقدامات فرهنگی است که منجر به افزایش زمینه‌های و حوزه‌های مورد اختلاف می‌شود.

تهدیدزدایی از اسلام‌شیعی و مقابله با ایران‌هراسی:

این راهکار بیشتر متوجه اقدامات فرهنگی و سیاسی‌ای است که ضرورت دارد از سوی ایران پیگیری شود. در واقع بازیگرانی که خواهان کاهش دادن و کمرنگ شدن حضور ایران و تحولات منطقه‌ای و جهانی هستند، درصددند که القائاتی مبنی بر تهدید بودن اسلام‌شیعی و همچنین ایران‌هراسی را ترویج کنند. در مقابل ایران باید با به‌کارگیری دیپلماسی عمومی و فرهنگی مؤثر و ترویج انگاره‌های که اندیشه تشیع و راه و رسم ایرانی را مبتنی بر مدارا و همزیستی می‌داند، با چنین رویکردهایی مقابله کند.

رفع نگرانی‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی

هر دو کشور ایران و عربستان باید به دغدغه‌های ژئوپلیتیکی یکدیگر توجه داشته باشند و بنابراین باید لیستی از نگرانی‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی میان دو کشور که روابط دو جانبه را تهدید می‌کند، تهیه شود و هر کشور شیوه تعامل و کنشگری خود برای رفع نگرانی‌های طرف مقابل را مشخص کند.

به عنوان نمونه ممکن است عربستان نسبت به امنیت رفت و آمد کشتی‌ها در خلیج فارس و تنگه هرمز نگرانی‌هایی داشته باشد؛ ایران باید در این زمینه تدبیر به خرج دهد و واژه عربستان در این خصوص را برطرف کند؛ زیرا چنانچه توجهی به دغدغه‌های ژئوپلیتیکی عربستان در خصوص تنگه هرمز نشود، لاجرم این کشور راه‌های جایگزین نظیر خط لوله تاپ لاین و خط لوله قوار به ینبوع (پترولاین) را در پیش می‌گیرد. (حافظ نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۳۵۹) موضوعی که باعث افزایش واگرایی و از میان رفتن فرصت همکاری امنیتی میان دو کشور می‌شود. همچنین ممکن است عربستان نسبت به تأثیر ایران بر حوثی‌های یمن بیمناک باشد و یا عربستان نسبت به کمرنگ شدن نقش غیرشیعیان در عراق نگرانی‌هایی داشته باشد؛ در حالی که ایران می‌تواند بر حضور و نقش تمامی بازیگران منطقه‌ای ذینفع در این کشورها بدون دخالت در استقلال سیاسی آن‌ها تأکید کند و در این زمینه راهکارهای همکاری جویانه‌ای ارائه دهد.

از سوی دیگر امکان دارد ایران نسبت به تأثیر عربستان بر مناطق سنی‌نشین ایران از جمله در جنوب شرقی ایران و در مرز با پاکستان نگرانی‌هایی داشته باشد؛ زیرا اگر چه پاکستان بر اساس واقعیت‌های اقتصادی، فرقه‌ای و ژئوپلیتیکی خود خواهان بی‌طرفی در رقابت ایران و عربستان است؛ اما روابط قوی و چندوجهی با عربستان سعودی دارد و انتخاب‌های پاکستان حاکی از تمایل به سمت عربستان سعودی است. (Ahmed & Akbarzadeh, 2020: 1) در اینجا نیز عربستان متقابلاً می‌تواند تعهدات و تضمین‌هایی برای حفظ و برقراری آرامش در مرزهای سنی‌نشین ایران بدهد و در این زمینه با تشکیل کمیته‌هایی مشترک با ایران همکاری کند. همچنین مداخلات عربستان برای جلوگیری از ادغام ایران در اقتصاد جهانی و نیز تأکید عربستان بر مواضع امارات در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی از دیگر مسائلی است که جزو دغدغه‌های امنیتی ایران نسبت به اقدامات عربستان محسوب می‌شود؛ در حالی که عربستان می‌تواند در ازای تعاملات مشترک با تهران، در سهم شدن ایران در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی از طریق حمایت از ساز و کارهایی نظیر برجام نقش ایفاء کند. تعامل دو جانبه می‌تواند این ادراک را در نزد طرف عربستانی به وجود آورد که داشتن رویکرد حذفی نسبت به ایران در تعاملات اقتصادی جهانی نمی‌تواند زمینه‌ساز برقراری امنیت در منطقه شود. همچنین عربستان می‌تواند از همراهی امارات به‌طور مداوم و در سطوح عالی در موضوع جزایر ایرانی دست بکشد و آن را در سطوح پایین‌تر و نه با جدیتی که منجر به تشدید منازعه شود، پیگیری کند.

همچنین نگرانی متقابل ایران و عربستان نسبت به گسترش برنامه هسته‌ای کشور دیگر و شکل گرفتن چرخه معضل امنیتی بر سر مسأله هسته‌ای مورد دیگری از دغدغه‌های امنیتی دوسویه است که

دامن زده شدن به آن مسائل و موضوعات امنیتی میان دو کشور را بیش از پیش پیچیده خواهد کرد. در حالی که دو کشور با افزایش تعاملات خود و آگاهی از نیات و تصمیمات یکدیگر می‌توانند بر این معضل امنیتی فائق آیند و با بهره گرفتن از الگوی آمریکا و روسیه که در زمینه هسته‌ای پیمان‌هایی را در خصوص عدم اشاعه امضا کردند، در این زمینه اقدام کنند.

در نهایت چنانکه هر دو کشور برای رفع نگرانی‌های متقابل امنیتی یکدیگر بکوشند، الزام حضور آمریکا در منطقه نسبت به قبل از مشروعیت و پشتوانه کمتری برخوردار خواهد بود و فرصت‌های بیشتری برای سازوکارهای امنیتی دو جانبه و چندجانبه در منطقه خلیج فارس پدیدار خواهد شد. در واقع چنانچه الگوی همکاری و رقابت مسالمت‌آمیز جایگزین الگوی دشمنی و ستیزه میان دو کشور شود، طرفین از مزایای بیشتری در روابط فی مابین سود خواهند جست.

همکاری‌های فنی و اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های متقابل

در واقع‌گرایی نئوکلاسیک، دولت محور اتصال بین دو حوزه داخلی و بین‌المللی است. به واسطه چنین جایگاه واحد و خاصی، نسبت به چالش‌ها و فرصت‌های موجود در نظام بین‌الملل و با بهره‌مندی از اطلاعات حساس، پاسخ نشان می‌دهد. (ریپسمن و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۶۰) ایران و عربستان نیز در صورت گذار نسبی از چالش‌ها، ضروری است از هر فرصت فنی، اقتصادی و نیز سرمایه‌گذاری در کشورهای یکدیگر استقبال کنند. این فرصت‌ها می‌تواند زمینه را برای تحکیم روابط فراهم آورد و زمینه را برای کاهش سوءبرداشت‌ها و سوءنیت‌ها در نزد رهبران ایجاد کند. چنانکه سفیر ایران در عربستان اندکی پس از بهبود روابط و بازگشایی مجدد سفارت‌ها عنوان کرده است: «دو کشور اقتصاد پررونق و خلاق دارند و می‌توانیم پروژه‌های مشترکی تعریف کنیم که امکان روابط تجاری و ایجاد فرصت اشتغال برای جوانان دو کشور را فراهم کند.» (ایسنا، ۲۲ مهر ۱۴۰۲) ایران و عربستان همچنین می‌توانند راه‌های حمایت و پشتیبانی از کریدور ارتباطی میان خلیج فارس با سایر مناطق جهان را به‌گونه‌ای فراهم کنند که منافع طرفین در این زمینه به‌طور مشترک تأمین گردد.

ایران و عربستان همچنین می‌توانند در منطقه شاخ آفریقا از طرق مختلفی نظیر سرمایه‌گذاری مشترک با اجرای پروژه‌های زیرساختی و اقتصادی در کشورهای شاخ آفریقا که به ثبات و توسعه منطقه کمک کند و نیز همکاری در ارائه کمک‌های بشردوستانه به کشورهای بحران‌زده مانند سومالی در جهت کاهش فقر و ناامنی اقدام نمایند.

پیدا کردن چهارچوبی برای برون رفت از مسائل مناطق خلیج فارس و شاخ آفریقا

رقابت استراتژیک بین ایران و عربستان سعودی از زمان وقوع تحولات عربی در سال ۲۰۱۱ به یک جنگ نیابتی گسترش یافته است. (Litvak, 2017: 49) منازعات ژئوپلیتیکی ناشی از موازنه تهدید و تلاش به منظور کسب هژمونی منطقه‌ای جزو دلایلی است که ایران و عربستان را در مناطق مختلفی نظیر عراق، یمن و بحرین در منطقه خلیج فارس و غرب آسیا رو در روی یکدیگر قرار داده است. اختلاف ایدئولوژیکی ناشی از اعدام شیخ نمر آتش این اختلاف را شعله ورتر کرد؛ اما چند سال بعد هر دو طرف به میانجیگری چین به تلاش‌ها برای بهبود روابط پاسخ مثبت دادند. دلیل این تغییر متقابل در رفتار را می‌توان درک این ذهنیت در نزد رهبران دو کشور دانست که رقابت‌های منطقه‌ای میان دو کشور نمی‌تواند تأمین‌کننده منافع ملی آن‌ها باشد و در سایه تداوم این رقابت که همچون یک جنگ سرد بر روابط دو کشور سایه افکنده است، هر دو بیش از آنکه منفعی کسب کنند، متضرر شده و منافع و امنیت ملی‌شان آسیب می‌بیند. در واقع فهم منطق و تصمیماتی که منجر به تغییر رفتار دو کشور گردید، می‌تواند به عنوان الگویی برای تداوم رویکرد جدید محسوب شود و بر اساس آن چارچوبی نوین از همکاری امنیتی در منطقه و در روابط دو جانبه کل گیرد. به دیگر سخن زمانی که عربستان و ایران در این منطق توافق داشته باشند که همکاری در قبال مسائل عراق، بحرین، یمن و شاخ آفریقا به مراتب بیش از جنگ نیابتی و اقدامات خصمانه می‌تواند تأمین‌کننده امنیت آن‌ها در منطقه باشد، می‌توانند الگوی مشترک رفتاری به منظور برون‌رفت از شرایط فعلی را ترسیم کنند. این الگوی رفتاری از یکسو باید تأمین‌کننده منافع ملی دو طرف و تضمین‌کننده استقلال سیاسی آن مناطق باشد و از سوی دیگر باید برطرف‌کننده نگرانی‌های امنیتی دو کشور در قبال هر بازیگر ثالث مورد اشاره باشد.

نتیجه‌گیری

ایران و عربستان پس از برطرف‌شدن سوءتفاهمات و سوءبرداشت به دنبال برگزاری کنفرانس سران اسلامی در سال ۱۳۷۶ یکبار در سال ۱۳۸۰ توانستند موفق به انعقاد قرارداد همکاری امنیتی شوند، اگر چه این مهم، اتفاقی کمیاب در روابط طرفین است؛ اما رویدادی نادر نبوده است؛ اما روند تحولات و تغییرات بعد از این سال‌ها، چه در عرصه داخلی دو کشور و چه در عرصه منطقه‌ای و چه در خصوص مسائل منطقه‌ای بعضاً بسیار شگرف بوده است؛ به‌طور مثال اتفاقاتی نظیر یازده سپتامبر بر نحوه و چگونگی همکاری میان کشورهای منطقه تأثیر گذاشته است، همچنین تغییرات قدرت در ایران و نیز

تغییر قدرت در عربستان و روی کار آمدن محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد در عربستان زمینه‌ها و مناسباتی جدیدی در داخل این کشورها ایجاد کرده است؛ اما همچنان اتکای به همان ظرفیت‌هایی که منجر گردید همکاری میان طرفین به نقطه اوج خود برسد، بار دیگر می‌تواند در بهبود روابط دو کشور راهگشا باشد. بازبینی نحوه دستیابی به توافقات در اواخر دهه هفتاد این موضوع را روشن می‌کند که تغییر در باورها و نگرش‌ها و اصلاح برداشت و رفع سوء تفاهات از یکسو و از سوی دیگر وجود گفتگوی بین‌نخبگانی می‌تواند جنبه‌های بسیار مؤثری در دستیابی به این نوع توافقات داشته باشد. تداوم اشکال مختلف، حتی در زمانی که روابط در بدترین شرایط خود قرار دارد، جنبه دیگری است که می‌تواند روابط دو کشور را در ریل درست قرار دهد. فارغ از این متغیرهایی که در سطح واحد مهم هستند، جنبه‌های دیگری که مبتنی بر الزامات منطقه‌ای و بین‌المللی است نیز دو کشور را به سوی همکاری امنیتی با یکدیگر سوق می‌دهد. افزایش ثبات منطقه‌ای به عنوان مهمترین عاملی است که در این عرصه حائز اهمیت است. جلوگیری از ایجاد معضل امنیتی و رقابت‌های پرهزینه و ناکارآمد تسلیحاتی چه در خاورمیانه و چه در منطقه شاخ آفریقا وجه سلبی مهمی است که در این خصوص مطرح است. در نهایت کاهش توجه ایالات متحده آمریکا به خاورمیانه و معطوف شدن توجه بیشتر این کشور به شرق دور، فرصت دیگری است که می‌تواند در شکل‌گیری توافقات میان ایران و عربستان به ویژه در عرصه امنیت مؤثر باشد.

قدردانی

نویسنده مراتب قدردانی را از همکاران معاونت پژوهشی بنیاد ایران‌شناسی اظهار می‌نماید.

منابع

الف: فارسی

- ایمانی، همت؛ دیلمقانی، فرشید و روشنی، حدیث. (۱۳۹۷). «رهیافت چندجانبه‌گرایی؛ رویکردی کارآمد برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام (با تأکید بر همکاری ایران، ترکیه، مصر و عربستان)». *مطالعات سیاسی جهان اسلام*. دوره ۷. شماره ۲۶. صص ۸۷-۱۱۴.
- پاک‌نیا، مهدی (۱۳۹۸). تغییر جایگاه غرب آسیا در اسناد راهبردی آمریکا و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران. تهران: دفتر مطالعات سیاسی معاونت پژوهش‌های سیاسی و حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- جمشیدی، محسن؛ صدیق، میر ابراهیم و بسطامی، محمود. (۱۴۰۰). «استراتژی دو قدرت بزرگ منطقه‌ای (جمهوری اسلامی و عربستان سعودی) در حوزه سیاست‌گذاری خارجی و تروریسم در منطقه تحت نفوذ خود». *فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی*. سال دهم. بهار ۱۴۰۰. شماره ۱۹. صص ۷۷-۱۰۱.
- حاج زرگر باشی، سید روح الله و لطفی، میلاد (۱۴۰۲). «رقابت ایران و عربستان در شاخ آفریقا: تلاش برای کسب

- منزلت و اعتبار منطقه‌ای». *روابط خارجی*. سال پانزدهم. شماره ۶۰. صص ۹۹-۱۲۴.
- حافظ نیا، محمدرضا و ربیعی، حسین (۱۳۹۲). *نقش استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز*. تهران: انتشارات سمت.
- حقیقت‌شناس کماچالی، علی؛ فرجی‌راد، عبدالرضا و قربانی‌نژاد، ربیاز. (۱۴۰۰). «تأثیر تحولات ژئوپلیتیک کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با محوریت عربستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی». *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. دوره ۱۱. شماره ۴۲. صص 286-305.
- درج، حمید و عباسی، مجید. (۱۳۹۹). «تقابل‌جویی عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران در صحنه سیاست عراق» (2018-2003). *مطالعات سیاسی جهان اسلام*. دوره ۹. شماره ۳۳. صص 51-76.
- درج، حمید و نورانی بنام، کاظم. (۱۴۰۰). «عربستان سعودی و بکارگیری سیاست کنترل و مهار ایران در بحرین». *پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*. دوره ۶. شماره ۴. صص 66-92.
- دهشیری، محمدرضا و حسینی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۴). «ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان». *روابط خارجی*. دوره ۸. شماره ۲۹. صص ۱۱۱-۱۴۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰). «واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه سیاست خارجی. سال بیست و پنجم. شماره ۲. صص ۲۷۵-۲۹۴.
- ذاکر اصفهانی، علیرضا (۱۳۸۱). «ایران و بازیگران جنگ ظفار». *مجله زمانه*. سال اول. شماره ۲. صص ۲۴-۲۹.
- زارعی دارامودی، هوشمند؛ محمدی، حمیدرضا و عزیززاده طسوج، محسن. (۱۴۰۱). «تحلیل ژئوپلیتیک الگوهای رفتاری مبتنی بر تنازع و تعامل در روابط ایران و عربستان سعودی». *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*. دوره ۴. شماره ۱۲. صص 83-106.
- شفیع، نوذر (۱۴۰۲). «ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه‌ای: تحلیلی بر میانجیگری چین بین ایران و عربستان». فصلنامه غرب آسیا. سال اول. شماره اول. ۷-۲۱.
- شکوهی، سعید. (۱۳۹۵). «نقش برداشت‌های نخبگان در تنش میان ایران و عربستان سعودی». *سیاست جهانی*. دوره ۵. شماره ۴. صص 63-39.
- شمس‌الدین نژاد، مجید؛ شیرزاد نشلی، حمیدرضا و داوند محمد. (۱۴۰۱). «عربستان سعودی و مخاطرات مرزی جمهوری اسلامی ایران با پاکستان». دوره ۱۵. شماره ۵۷. صص ۴۵-۶۷.
- عباسی، مجید و عسکری، نصراله (۱۴۰۲). «تأثیر عامل هویت بر روابط ایران و عربستان سعودی پس از پیروزی انقلاب اسلامی». *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*. دوره ۴، شماره ۴. ۱۸۹-۲۱۱.
- عبدی، مسعود؛ فرجی‌راد، عبدالرضا و قربانی‌نژاد، ربیاز. (۱۳۹۹). «تبیین مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر شکل‌گیری روابط استراتژیک». *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*. دوره ۱۶. شماره ۵۷. صص 1-36.
- عیسی‌آبادی، ابوالفضل و شاه قلعه، صفی‌اله (۱۳۹۲). «ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. دوره ۲۸. شماره ۲. صص ۴۹-۶۸.
- قاسمیان، روح‌الله؛ سیمبر، رضا و جانسیز، احمد. (۱۳۹۸). «بسترهای کشمکش ایران و عربستان سعودی در بحران سوریه». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. دوره ۹. شماره ۳۰. صص 217-238.
- قدس، ابوالقاسم، ابوالفضلی حسین و عابدی مهدی (۱۴۰۲). «تأثیر تضادهای اندیشه‌ای بر شکل‌گیری روابط امنیتی

- عربستان با ایران». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. ۱۲(۱). صص ۲۱-۴.
- لطفی، میلاد و آدمی، علی (۱۴۰۲). «سیاست خارجی عربستان سعودی در شاخ آفریقا (۲۰۱۱-۲۰۲۲): از کنشگری اقتصادی تا تغییر معادلات قدرت در خاورمیانه». *مطالعات سیاسی جهان اسلام*. دوره ۱۲. شماره ۴۶. صص ۵۹-۳۳.
- مقومی، امیررضا؛ فیروزکوهی، مهدی؛ ذوقی‌بارانی، کاظم؛ حسن‌نیا، محمدعلی. (۱۴۰۲). «منافع ژئوپلیتیکی بازیگران منطقه‌ای در بحران یمن». *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*. سال پنجم. تابستان ۱۴۰۲. شماره ۱۶. صص ۱۶۳-۱۹۳.
- میرزائی تبار، میثم (۱۴۰۱). «تبیین ابعاد و علایق ژئوپلیتیکی حضور ایران در شاخ آفریقا». *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*. دوره ۴. شماره ۱۲. صص ۱۵۵-۱۳۳.
- هراتی، محمدجواد؛ سلیمانی، رضا و عبادی، عبدالواحد. (۱۳۹۴). «بازتاب نظم سیاسی جدید عراق بر روابط دوجانبه ایران و عربستان». *سیاست جهانی*. دوره ۴. شماره ۳. صص ۱۹۴-۱۹۹.
- هیل، کریستفر (۱۳۸۷). «ماهیت متحول سیاست خارجی». ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- واعظی، محمود (۱۳۸۶). «الگوی آسیایی امنیت انرژی مسیری برای همکاری». دوره ۱۵. بهار ۱۳۸۶. شماره ۴۳. صص ۳۲-۱۵.
- یزدان پناه درو، کیومرث؛ هاشمی، سیدمصطفی و کریمی پاشاکی، سجاد (۱۳۹۵). «تحلیل ژئوپلیتیکی بر دزدی دریایی در منطقه ی شاخ آفریقا». *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*. دوره ۴۸. شماره ۳. صص ۵۹۰-۵۷۷.

ب: انگلیسی

- Ahmed, Z. S., & Akbarzadeh, S. (2020). Pakistan caught between Iran and Saudi Arabia. *Contemporary South Asia*, 28(3), 336-350.
- Al-Rasheed, R. (2022). The Iran–Saudi Arabia rivalry: Rekindling of Shia loyalty and Sunni fears in Bahrain. In *Saudi Arabia and Iran* (pp. 74-95). Manchester University Press.
- Al-Aloosy, M. (2020). Saudi–Iranian relations: Between identity, ideology, and interest. In *Routledge handbook of Persian gulf politics* (pp. 431-442). Routledge.
- Ali, S. (2017). Security dilemma or geopolitics: Iranian-Saudi security policies in the Middle East. *Budimpešta: Central European University*.
- Fraihat, I. (2020). *Iran and Saudi Arabia: Taming a Chaotic Conflict*. Edinburgh University Press.
- Ghoble, V. T. (2019). Saudi Arabia–Iran Contention and the Role of Foreign Actors. *Strategic Analysis*, 43(1), 42-53.
- Hiro, D. (2019). *Cold War in the Islamic World: Saudi Arabia, Iran and the struggle for supremacy*. Oxford University Press.
- Keynoush, B. (2016). *Saudi Arabia and Iran: Friends Or Foes?*. New York: Palgrave Macmillan.

- Litvak, M. (2017). Iran and Saudi Arabia: Religious and Strategic Rivalry. *National Security Studies Center, Mideast Security and Policy Studies*, (133). 49-54.
- Mabon, S. (2023). *The Struggle for Supremacy in the Middle East*. Cambridge University Press.
- Meibauer, G. (2023). Neorealism, neoclassical realism and the problem (s) of history. *International Relations*, 37(2), 348-369.
- Mononen, J. (2009). War or Peace for Finland? Neoclassical Realist Case Study of Finnish Foreign Policy in the Context of the Anti-Bolshevik Intervention in Russia 1918–1920 (Master's thesis).
- Soltaninejad, M. (2019). Iran and Saudi Arabia: emotionally constructed identities and the question of persistent tensions. *Asian Politics & Policy*, 11(1), 104-121.
- Rathbun, B. (2008). A rose by any other name: Neoclassical realism as the logical and necessary extension of structural realism. *Security Studies*, 17(2), 294-321.
- Rezaei, F., & Rezaei, F. (2019). Iran and Saudi Arabia: The Struggle for Regional Hegemony and Islamic Primacy. *Iran's Foreign Policy After the Nuclear Agreement: Politics of Normalizers and Traditionalists*, 163-187.
- Rose, G. (۱۹۹۸). Neoclassical realism and theories of foreign policy. *World politics*, ۵۱(۱). 144-172.
- Royle, S., & Mabon, S. (2022). Iraq and the evolution of Saudi–Iranian relations. In *Saudi Arabia and Iran* (pp. 96-117). Manchester University Press.
- Taliaferro, J. W. (2000). Security seeking under anarchy: Defensive realism revisited. *International security*, 25(3), 128-161.
- Więclawski, J. (2017). Neoclassical realism and the crisis of the realist paradigm in contemporary international relations. *Myśl Ekonomiczna i Polityczna*, 2(57), 192-219.

ج: منابع آنلاین

- ایسنا (۱۸ اسفند ۱۳۷۸). گفت و گوهای وزرای نفت ایران و عربستان. قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/7812-00993> بازبینی در: ۲۰ خرداد ۱۴۰۳.
- ایسنا (۲۹ فروردین ۱۳۸۰). موافقت‌نامه‌ی امنیتی میان ایران و عربستان، امضا شد . قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/8001-01875> بازبینی در: ۲۰ خرداد ۱۴۰۳.
- ایسنا (20 مرداد ۱۳۸۱). سعود الفیصل: ایران، اعضای القاعده را به عربستان تحویل داد. قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/8105-04998> بازبینی در: ۲۰ خرداد ۱۴۰۳.
- ایسنا (22 مهر ۱۴۰۲). اعلام آمادگی عربستان برای تعریف پروژه‌های مشترک اقتصادی با ایران. قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/1402072215487> بازبینی در: ۲۰ خرداد ۱۴۰۳.
- نوروژی، رسول (۱۳۹۳). واقع گرایی نئوکلاسیک. پژوهشکده باقرالعلوم علیه اسلام. قابل دسترس در: http://pajoohe.ir/NEOCLASSICAL-REALISM_a-46063.aspx

Obstacles and solutions to establishing security cooperation between Iran and Saudi Arabia in the Persian Gulf and Horn of Africa

reza zabihi

Assistant Professor of International Relations, Department of Iranian Geography Studies, Iranology Foundation, Tehran, Iran.

Abstract

The turbulent region of the Persian Gulf and West Asia, as well as the Horn of Africa, has always been at risk of establishing security due to political and social turmoil and sometimes long and erosive wars. While in today's world, security is still one of the most important goods that can be supported by stability and progress. Iran and Saudi Arabia, as the two main powers in the Persian Gulf and influential powers in the Horn of Africa, can play a pivotal role in creating regional security. Security cooperation between Iran and Saudi Arabia can be expanded on various aspects, from the field of shipping, energy, and the fight against smuggling to cooperation on areas of influence. Having said that, the basic question is raised, what are the challenges and obstacles of security cooperation between Iran and Saudi Arabia in the Persian Gulf and Horn of Africa? The temporary answer to this question is as follows: The acting of the United States of America in the Persian Gulf, the lack of common understanding regarding security issues, geopolitical differences and cultural-religious differences and the lack of understanding over the area of influence are the challenges and obstacles to the security cooperation between Iran and Saudi Arabia in the Persian Gulf and Horn of Africa. The research method in this article is descriptive-analytical and in order to collect data and information, library and internet sources have been used. Based on the findings of this research, de-threats from Shiite Islam and confronting Iranophobia, technical and economic cooperation and finding a framework for cooperation on regional issues can be considered as solutions to realize security cooperation between Iran and Saudi Arabia.

key words: Iran-Saudi Arabia-Persian Gulf region-security cooperation -West Asia-Horn of Africa